

گفت‌وگوی ایکن با صاحب‌نظران قرآنی با موضوع «مهوریت‌زدایی از قرآن»:

## مهوریت‌زدایی از قرآن در گرو برنامه جامع و مدون است

مهوریت‌زدایی از قرآن نه فقط در گرو انگیزه و اراده عمومی مسلمانان است، بلکه به تدوین برنامه جامع و مدون برای عملی کردن آموزه‌های قرآنی در شئون مختلف جامعه نیاز دارد.

تاریخ: ۱۰ آذر ۱۳۹۹ - ۱۱:۰۴

کد خبر: ۳۹۳۶۳۵۰



قرآن، کلام حق و معجزه پیامبر اسلام و مقدس‌ترین کتاب آسمانی در نظر مسلمانان محسوب می‌شود، ولی علی‌رغم شأن و منزلتی که دارد، آموزه‌های آن در شئون فردی و اجتماعی زندگی مسلمانان غایب و به تعبیری مهجور است. این کتاب را فقط برای کسب ثواب و تبرک‌جویی از آن می‌خوانند و در مفاهیم آن تفکر و تأمل نمی‌کنند و در عمل به آموزه‌هایش پای‌بند نیستند، در حالی که از دیدگاه اسلام، مسلمانان فقط با عمل به آموزه‌های قرآن می‌توانند به زندگی سعادت‌مند در دنیا و آخرت دست پیدا کنند.

صاحب‌نظران درباره علل مهوریت قرآن دیدگاه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. خبرنگار ایکن اصفهان، در این همین رابطه با چند نفر از پژوهشگران قرآن و اساتید دانشگاه گفت‌وگویی داشته است که خلاصه آن را در ادامه می‌خوانید:

### بیشتر بخوانید:

- [تفسیر ترتیبی قرآن- پاسخگوی نیازهای جامعه نیست](#)
- [سکولاریسم مانع مهوریت‌زدایی از قرآن است](#)
- [مهوریت‌زدایی از قرآن نیازمند هم‌افزایی جوامع اسلامی است](#)
- [مهوریت‌زدایی از قرآن در گرو رویکرد انگیزشی- و کاربردی است](#)

حجت‌الاسلام محمد سلطانی، عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان، در این زمینه معتقد است: عمدتاً به قرآن به شکل یک متن مقدس نظر داریم که کمال احترام را نسبت به آن ابراز می‌کنیم؛ یعنی آن را می‌بوسیم، بر سر می‌گذاریم و در یک جای مشخص از خانه قرار می‌دهیم و هرگاه در نقطه‌ای از جهان، کسی به قرآن توهین کند، برآشفته می‌شویم، اما اینکه قرآن را صرفاً یک امر الوهی و مقدس دانسته و تنها

وظیفه‌مان را در قبال آن ادای احترام بدانیم، هر چند که کار صحیح و ارزشمند است، اما به معنای فروکاستن قرآن نیز تلقی می‌شود، زیرا به قرآن بسیار محدود نظر داریم و بعضاً آیات آن را که به کار امروز ما می‌آید، نادیده می‌گیریم. به عنوان مثال در قرآن آمده است: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا حَيُّرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ و اگر [بدهکار] تنگدست بود [بر شماست که] او را تا هنگام توانایی مهلت دهید و بخشیدن همه وام [و چشم‌پوشی و گذشت از آن در صورتی که توانایی پرداختش را ندارد] اگر [فضیلت و ثوابش را] بدانید برای شما بهتر است». اما بعضاً در چنین شرایطی این آیه را کنار می‌گذاریم و بدهکار را زندانی می‌کنیم. این نشان می‌دهد به قرآن فقط به شکل یک کتاب نورانی، مقدس و برای کسب ثواب توجه داریم.

سلطانی افزود: در مواجهه با سیره پیامبر(ص) و ائمه(ع) نیز فقط همان جنبه احترام را در نظر می‌گیریم، اما وقتی صحبت از پیروی و تبعیت از سیره معصومین می‌شود، آن را نادیده می‌گیریم و کنار می‌گذاریم، چون تبعیت از سیره معصومین(ع) سخت است، در حالی که بزرگداشت قرآن، عزاداری، برپایی جشن میلاد ائمه(ع) بسیار آسان است. به همین دلیل کار سخت را وا می‌گذاریم و به کارهای آسان می‌پردازیم.



وی ادامه داد: به نظر می‌رسد تأثیر عوامل دیگر بسیار کم‌تر است. درست است که قرآن به زبان عربی نازل شده است و به همین دلیل برای فهم و درک آن نیازمند یک واسطه هستیم که بتواند آیات عربی قرآن را برای ما ترجمه و تفسیر کند، کما اینکه امروز آثار فلسفه باستان را هم به واسطه ترجمه‌ها می‌خوانیم، اما به نظر نمی‌رسد دلیل مهجوریت قرآن فاصله زمانی و تفاوت زبانی باشد. در سوره احزاب آمده است: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». در این آیه از ما خواسته شده بر پیامبر درود بفرستیم، و آن گونه که شایسته است، تسلیم او باشیم، اما «صَلُّوا عَلَيْهِ» را به خوبی و در شئون مختلف زندگی انجام می‌دهیم، ولی به جنبه «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» توجهی نشان نمی‌دهیم. در حالی که «وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا» یعنی اینکه پیامبر(ص) را به عنوان راهبر و آموزگاری که آمده ما را از تنگناها نجات بدهد، الگو قرار دهیم.

عضو هیئت علمی گروه قرآن و حدیث دانشگاه اصفهان بیان کرد: باید نگاهمان را به قرآن تغییر دهیم و از درصد و میزان نگاه تقدسی به قرآن کم کنیم. این حرف به این معنا نیست که قرآن مقدس نیست، بلکه در باور ما مسلمانان، قرآن مقدس‌ترین کتاب و وحی الهی است و در این شکی نیست، اما باید این دید تقدس‌انگارانه را کنار بگذاریم، البته در موارد خاصی می‌توانیم از آن استفاده کنیم. در حال حاضر، منابعی با

عنوان کتاب‌های انگیزشی در خصوص سبک زندگی، موفقیت، بازاریابی و فروش به رشته تحریر درمی‌آید و افرادی که این کتاب‌ها را می‌خوانند، واقعاً می‌خواهند مطالب مندرج در آنها را به کار ببندند، پس چرا ما به قرآن به دید یک کتاب زندگی نگاه نکنیم؟

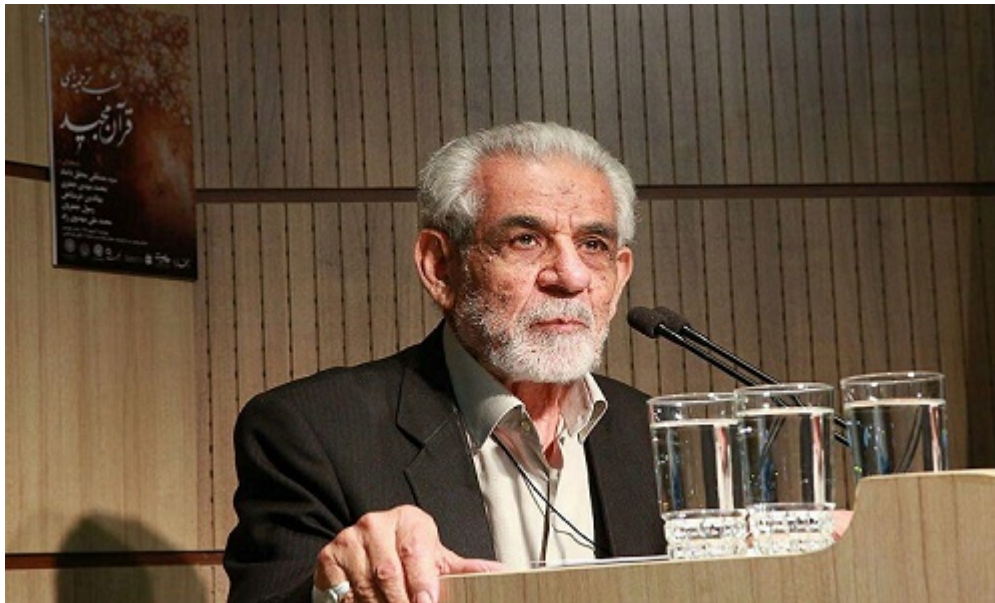
سلطانی افزود: اگر به قرآن به عنوان یک کتاب انگیزشی، عملی و کاربردی نگاه کنیم، می‌توانیم آیه‌ای را که در هر مقطع گره‌گشای ما باشد، به عنوان دستورالعملی کاربردی که براساس خرد و حکمت تدوین شده است، پذیرا باشیم. باید به تدریج نگاه خود را نسبت به قرآن، پیامبر(ص) و ائمه معصومین(ع) به این نحو اصلاح کنیم که صرفاً مخلوقات الوهی، مقدس و نورانی نیستند، بلکه در همین کره زمین و در میان انسان‌ها موفق به تمدن‌سازی و انسان‌سازی شده‌اند.

## راهکار مهجوریت‌زدایی از قرآن

محمد مهدی جعفری، مفسر و پژوهشگر قرآن و نهج‌البلاغه، نیز معتقد است: اینکه هر چقدر هم تلاش کنیم، باز هم قرآن مهجور می‌ماند، یک عمل جبری نیست، بلکه به طبیعت انسان و شرایط زمان و مکان بستگی دارد، اما هم می‌تواند خبری از غیب باشد که خداوند به پیامبر(ص) داده است و هم می‌تواند از روی مردم‌شناسی باشد. در نهج‌البلاغه، حدیثی از قول امیرالمؤمنین(ع) آمده است، ولی سخن‌شناسان معتقدند که این حدیث از رسول خداست، هر چند شیخ صدوق از قول امیرالمؤمنین(ع) نقل کرده و ایشان نیز از قول پیامبر(ص)، بدون اینکه بگوید پیامبر(ص) گفته است. آن حدیث این است: «يَأْتِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ لَا يَنْقَى فِيهِمْ مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ وَ مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ مَسَاجِدُهُمْ يَوْمئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهُدَى...؛ روزگاری بر مردم خواهد آمد که از قرآن جز نشانی و از اسلام جز نامی، باقی نخواهد ماند. مسجدهای آنان در آن روزگار آبادان، اما از هدایت ویران است.»

جعفری افزود: امیرالمؤمنین(ع) که در آخرین وصیت خود به فرزندانش و از طریق آنها به همه انسان‌ها، می‌فرماید: «اللَّهُ اللَّهُ فِي الْقُرْآنِ لَا يَسْبِقُكُمْ بِالْعَمَلِ بِهِ عَيْرُكُمْ...؛ خدا را خدا را در توجه به قرآن، مبادا دیگران در عمل به قرآن بر شما پیشی بگیرند». یعنی شما مسلمانان قرآن را در اختیار دارید و به آن افتخار می‌کنید و شعار عمل به قرآن سر می‌دهید، اما در واقع طبق آن عمل نمی‌کنید و دیگران که مسلمان هم نیستند، اصول و مبانی قرآن را گرفته‌اند، بدون اینکه بدانند این‌ها از قرآن است، یعنی رفتار انسانی با یکدیگر دارند و هدایت الهی را در زندگی و جامعه خود اعمال می‌کنند. در واقع مهجوریت قرآن از آغاز مطرح شده است و رسول خدا و امیرالمؤمنین(ع) آن را بیان کرده‌اند. بنابراین معلوم است که مسلمانان از همان ابتدا آن‌طور که باید و شاید به قرآن عمل نمی‌کردند و هر چه زمان پیش‌تر آمده، این کار زاویه وسیع‌تری پیدا کرده و از قرآن فاصله بیشتری گرفته شده است.





وی با بیان اینکه یکی از عوامل مهجوریت قرآن، تأویل این کتاب آسمانی بوده که از صدر اسلام شروع شده و تا زمان حاضر ادامه پیدا کرده است، گفت: افرادی که درونشان بیمار است، یعنی خواسته دیگری دارند، به قرآن مراجعه می‌کنند و آن را به صورتی که خودشان می‌خواهند تأویل می‌کنند، آیات قرآن را به خواسته‌های شخصی خود برگردانده و از شبهه‌ها استفاده می‌کنند، در صورتی که باید به محکمت قرآن توجه کنند. امروز نیز همین‌طور است، مثلاً رباخواری را به نام اقتصاد اسلامی مطرح می‌کنند، کلاه شرعی بر سر آن قرار داده و اسمش را مضاربه یا معاملات شرعی می‌گذارند. این همان ترک کردن و مهجور ماندن قرآن و حاکم کردن آرا و نظرات شخصی بر قرآن و اجتماع اسلامی است.

جعفری افزود: امروز نیز همان مسائل تاریخی به صورت و ظاهر دیگری مطرح است. به هر حال طبیعت انسان تغییر پیدا نکرده و انسان همیشه به دنبال منافع زودگذر خود است. امروز نیز همان مسائل غیر اسلامی و غیر قرآنی به نام اسلام و قرآن به مردم عرضه می‌شود. در واقع فقط الفاظ و اصطلاحات تغییر پیدا کرده است. مثلاً رباخواری را در قدیم به عنوان خرید و فروش توجیه می‌کردند، ولی امروز به آن بانکداری اسلامی می‌گویند. در واقع امروز به بهانه عقب نماندن از تمدن و فرهنگ جدید، کارهایی انجام می‌شود که نتیجه‌اش، دین‌گریزی و حتی دین‌ستیزی است. امروز در کشورهای غیر اسلامی مثل ژاپن نه تنها سودی از وام‌گیرنده گرفته نمی‌شود، بلکه امتیازاتی هم به او می‌دهند و یا در کشورهای اروپایی نهایت سود بانکی دو درصد است، ولی در جامعه ما به نام بانکداری اسلامی، ۳۰ درصد سود اخذ می‌شود. بنابراین برخی می‌گویند اگر بانکداری اسلامی این است، پس ما این را نمی‌خواهیم. در زمینه مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هم چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد.

وی با بیان اینکه اکنون به برخی جنبه‌ها از جمله حفظ قرآن، نوشتن قرآن، تذهیب قرآن، برگزاری مجالس قرآنی نظیر کلاس صوت و ... توجه می‌شود، ولی در عمل، قرآن را راهنمای زندگی قرار نمی‌دهیم و این به مهجوریت قرآن دامن می‌زند، افزود: باید از اصول و مبانی قرآن استفاده کنیم و مصادیق خاصی را که در مقاطع مختلف تغییر می‌کند به عهده علم و تجربه بشر بگذاریم. مثلاً قرآن می‌فرماید عدالت به خرج دهید؛ عدالت در اقتصاد، سیاست، رفتارهای فردی و اجتماعی، اما اینکه این اصل را چگونه در زمان امروز به کار ببریم، باید مبتنی بر اقتضائات زمان و مکان باشد.

جعفری ادامه داد: قرآن را باید راهنمای عمل خود قرار دهیم، آن هم نه اینکه به دوران پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) بازگردیم. ائمه(ع) نیز قرآن را راهنمای عمل خود قرار دادند. امروز نیز باید از اصول و مبانی قرآن

بهره بگیریم، اما در موارد خاص و جزئی در عرصه فرهنگ، سیاست، اجتماع و اقتصاد، از علم و تجربه بشری استفاده کنیم. در این زمینه باید از روش‌های علمی مبتنی بر جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی بهره گرفت. یعنی در تفسیر قرآن و عملی کردن اصول و مبانی آن باید به روشی متعادل که باعث هدایت مردم شود، روی آورد و برای مردم آگاهی‌بخشی کرد، نه اینکه براساس زبان زور عمل کرد. یعنی باید از روش‌های علمی استفاده و همزمان آن اصول را به صورت متعادل اجرا کرد.

## دردهای امت اسلامی

عصمت همتی، عضو هیئت علمی گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه فرهنگیان استان اصفهان، نیز معتقد است: در جوامع اسلامی، همگی باور دارند که قرآن به لفظ و به معنا، سخن خداست، تحریف نشده و تنها کتاب آسمانی است که در زمان رسول خاتم با نظارت ایشان کتابت شده و یک کلمه به آن افزوده یا کاسته نشده و برای کم و زیاد شدن یک واو از آن شمشیر کشیده شده است تا این اتفاق نیفتد. اگر مسلمانان چنین ثقل و گوهری را جدی می‌گرفتند و با همین معنا، این کتاب آسمانی را برنامه زندگی، هدایت برای مردم و نور اتصال آسمان و زمین می‌دیدند، هم در حوزه تعدیل شخصیت فردی و هم در حوزه اجتماع مسلمین، این کتاب می‌توانست نقش اساسی‌اش را ایفا کند.

همتی افزود: مهجوریت قرآن و اهل‌بیت(ع)، یعنی ثقل اکبر و ثقل اصغر، دردهای بسیاری برای امت اسلامی به وجود آورده است. اگر کسانی اهل قرآن باشند، مگر می‌توانند وضعیتی داشته باشند که اکنون جوامع اسلامی دارند؟ اگر در حوزه فردی به این دو مؤلفه قرآن، یعنی آمنوا و عملوا الصالحات توجه شود، بسیاری از ناهنجاری‌ها اصلاً شکل نمی‌گیرد. در حوزه اجتماعی نیز قرآن صریحاً به مسلمانان می‌گوید کفار را بر خودتان سلطه ندهید، به دشمنان خدا اعتماد نکنید و در مقابل آنها صف واحد باشید. دعوت به استقامت و درس‌هایی که قرآن در لابه‌لای داستان انبیا می‌گوید، سنت‌های جوامع بشری و سنت‌های خداوند با افراد است. هر فردی مانند ابراهیم باشد، از هدایت‌های ویژه‌ای که برای او وجود داشت، بهره‌مند می‌شود. هر فردی مثل موسی بتواند خودش را نگه دارد، از آن برکات بهره‌مند می‌شود.



وی اظهار کرد: قرآن مهجور است، یعنی آن کارایی که باید داشته باشد، از آن نخواستیم. حداکثر کارایی قرآن در بسیاری از خانه‌ها، زینت بودن، تمسک و تفاعل برای مراسمی، سر سفره عقدی یا هنگام فاتحه‌ای است و کسانی هم که می‌خواستند توجه کنند، حداکثر این بوده که قاری شوند و قرائت‌شان چگونه باشد، ولی کمتر

کسانی وارد هدایت‌های قرآنی شدند و وقتی این کار را انجام دادند، عجیب درخشیدند و راه پیدا کردند. قرآن مهجور است، به این معنا که مسلمانان باید برنامه زندگی و روابطشان را براساس دستورالعمل این کتاب آسمانی تنظیم کنند، ولی متأسفانه این‌طور نیست.

همتی ادامه داد: در حوزه آسیب‌شناسی، یکی از عواملی که مؤثر بوده، همان اختلافی است که در میان امت اسلامی افتاد و مفسرین حقیقی قرآن که اهل بیت (ع) بودند، مرجع مراجعه عموم قرار نگرفتند تا گوهرهای درخشان قرآن بیان شود و آنها را جذب کند و امت به واسطه درک این مفاهیم، خودشان را نیازمند آن ببینند. هر کس به قرآن مراجعه کند، از هدایت آن بهره‌مند می‌شود، در این خصوص شک و شبهه‌ای نیست. از یک طرف حقایق قرآن به دلیل مهجوریت اهل بیت (ع) در اختیار امت قرار نگرفت و موجب شد که از جاذبیت قرآن کاسته شود و از طرف دیگر، بسیاری از جاذبه‌های دنیایی با اینکه انسان‌ها بخواهند در مسیر آخرتی حرکت کنند، جمع نمی‌شود. این واقعیت دنیای امروز است. در واقع دل باید زنده بماند تا هم تشنه حقایق و معارف آسمانی باشد و هم از رجوع به قرآن لذت ببرد.

عضو هیئت علمی دانشگاه فرهنگیان اصفهان به راهکاری مهجوریت‌زدایی از قرآن اشاره و بیان کرد: در مدارس ما از سطوح ابتدایی قرآن درس داده می‌شود، ولی تلاش‌ها معطوف به خواندن الفاظ آن است و کمتر به معانی و معارف قرآن توجه می‌شود. اگر بر الگوها و مفاهیم قرآنی سرمایه‌گذاری کنیم، یعنی نشان دهیم که این مفاهیم، لوازمی دارد و این لوازم با چیزهایی که ما در زندگی داریم، متفاوت است. انجام چنین کاری، تفسیر به‌روز قرآن خواهد بود. یعنی قرآن را به عنوان دوی درد انسان‌ها به آنها معرفی کنیم، اگر احساس نیاز ایجاد شود، سراغ این کتاب می‌آیند.

وی ادامه داد: باید قرآن را به عنوان کتابی که اکنون باید بخوانیم، جواب سؤالات در آن وجود دارد و مشکلات با آن حل می‌شود، معرفی کنیم. اگر ذکر خداوند تنها راه آرامش انسان است، دنیای امروز، دنیای سرگردانی و اضطراب و افسردگی محسوب می‌شود و بشر امروز، تشنه آرامش. آرامش با ذکر خداست و قرآن می‌گوید اصلاً این کتاب، ذکر است. باید بتوانیم این کتاب را متناسب با دردها و نیازهای انسان امروز، به انسان‌ها معرفی کرده و در امور روانشناسی و فرهنگی، قرآن را به عنوان راهکار و راهنما دخیل کنیم، نه به عنوان سمبلی برای آغاز جلسه و بعد هم برای زینت کلام‌مان، چند آیه بخوانیم. باید به انسان امروز بگوییم مشکلاتی که دارد، مثل تنهایی، افسردگی، بی‌معنا بودن زندگی، سرگردانی و اضطراب حداکثری، جواب و راه‌حل آنها را می‌تواند در تماس و ارتباط با قرآن بیابد، این کتاب چنین ظرفیتی و اصلاً چنین ادعایی دارد.

این استاد حوزه و دانشگاه تصریح کرد: اکنون در زمینه امور فرهنگی، چند مرکز یا مؤسسه در اصفهان سراغ دارید که جلسات تفسیر قرآن برگزار کنند و مثلاً مرجع تفسیرشان، المیزان یا مجمع‌البیان باشد؟ چنین جلساتی را کمتر می‌بینیم، حتی در ماه رمضان، جزءخوانی مطرح است، ولی در شهری مثل اصفهان به عنوان پایتخت فرهنگی جهان اسلام، چند مورد جلسه تفسیر قرآن، نه روخوانی و قرائت برگزار می‌شود؟ هر چند که روخوانی و قرائت نیز بی‌ربط نیست، ولی انسان‌ها را باید معنایی به خود جذب کند و کششی در آنها ایجاد شود تا خودشان باقیمانده راه را طی کنند. زیبایی قرآن وقتی است که آن را کارا ببینیم، یعنی بگوییم از قرآن، کاری برمی‌آید. از آن چه کاری برمی‌آید؟

وی در پاسخ به این سؤال که رویکرد مهجوریت‌زدایی از قرآن چگونه باید انجام شود تا دچار خوانش‌های غیرمعقول، افراطی و ظاهرگرایانه نشود و بتوان در راستای هدف اصلی قرآن یعنی جنبه هدایتی آن حرکت کرد؟ گفت: متأسفانه تدریج‌هایی وجود دارد که در مورد ظواهر اتفاق بیفتد و قرآن را از آنچه هست مهجورتر کند. واقعاً تفسیر قرآن را اهل این کار باید انجام دهند، نه اینکه هر کس اجازه داشته باشد درباره قرآن حرف بزند. همچنان‌که یک نفر باید از تخصص پزشکی برخوردار باشد تا بتواند مطب دایر کرده و

مشکلات جسمی دیگران را حل کند، در حوزه قرآن و معارف دینی نیز به چنین فاکتوری نیاز داریم، یعنی کسانی که علمای اهل عمل‌اند، آراسته به زیور قرآن هستند و به معانی قرآن راه پیدا کرده‌اند، باید از آن حرف بزنند و مرجع مردم باشند. سیاست‌گذاران فرهنگی باید کسانی را که تخصص دارند و در عین حال، عالم ربانی هستند و قرآن بر آنها تأثیر گذاشته است، به مردم معرفی کنند و مانع کسانی شوند که برداشت‌های خود را به قرآن تحمیل و در واقع، تفسیر به رأی می‌کنند و دنبال اهداف خاصی اعم از منافع سیاسی و جناحی و شعائر و ظواهر هستند. این‌ها قرآن را به مهجوریت بیشتری مبتلا کرده و دلزدگی ایجاد می‌کنند و باعث می‌شوند وقتی کسی می‌خواهد قضاوت کند، به دلیل اعمال این‌ها، نتواند قضاوت درستی داشته باشد. نباید هر کسی علمدار دعوت به قرآن شود و نباید این را به یک شعار مطرح کنیم و شعارزدگی را به قرآن نیز سرایت دهیم. قرآن باید از کانال کسانی بیان شود که نفس‌های زکیه‌ای دارند و سخن خدا را فهمیده‌اند.

## طرحی برای ارتباط با قرآن نداریم

عبدالمجید طالب‌تاش، پژوهشگر قرآن و عضو هیئت علمی گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد کرج، نیز با بیان اینکه مهجوریت قرآن به دو معناست، تصریح کرد: یکی اینکه قرآن را از زندگی روزمره خود خارج کنیم، آن را نخوانیم، مراجعه و هیچ ارتباطی با کلام وحی نداشته باشیم. همانطور که افرادی بوده و هستند که در طول زندگی خود شاید مراجعه کافی و درستی به قرآن نداشته و ندارند. برای حل بخشی از مشکلات زندگی لازم است به قرآن مراجعه کنیم، اما اگر این کار را انجام ندهیم، قرآن را مهجور داشته‌ایم. معنای دوم مهجوریت قرآن، مراجعه نادرست به آن است، یعنی به قرآن مراجعه کنیم و آن را مورد توجه قرار دهیم، ولی قرآن در مسیر درست خود قرار نگیرد و مراجعه مناسب و درست به آن نداشته باشیم، مراجعه ما به قرآن نادرست و ناکافی باشد و استفاده کافی از آن نبریم.

طالب‌تاش اظهار کرد: یکی از موانع مهجوریت قرآن، میدان دادن به عقل در زندگی بیش از ظرفیت و توانایی آن است. خداوند به انسان قدرت عقل و اندیشه داده و انسان به کمک آن می‌تواند حوزه‌ای از توانایی خود در زندگی را گسترش دهد، به خصوص حوزه اجتماعی. محصول این عقل‌اندیشی و کاربرد عقلانیت در زندگی، پیشرفت علم و تکنولوژی و صنعت و تمدن بشری است، ولی عقل به هر حال محدوده، توانایی و محدودیت‌هایی دارد. اگر به محدودیت‌های عقل توجه نکرده و گمان کنیم که عقل می‌تواند همه نیازهای مان را مرتفع کند، گرفتار خطا و اشتباه خواهیم شد. عقل و علم می‌توانند بخشی از زندگی و نیازهای مادی ما را پوشش دهند، ولی از طرف دیگر نمی‌توانند همه نیازهای مادی را مرتفع کنند. همچنین قادر به تأمین و رفع نیازهای معنوی، باطنی و درونی ما نیستند.

وی افزود: اگر بخواهیم به قرآن مراجعه و آن را از مهجوریت خارج کنیم، باید در جایگاه درست خود این کار را انجام دهیم، ولی به جای مراجعه به قرآن، به عقل مراجعه کرده‌ایم. البته منظور، انکار زندگی مبتنی بر عقل نیست، ما نیاز به زندگی عقلانی و مبتنی بر عقل داریم. عقلانیت در زندگی بسیار مهم است، اما بخشی از زندگی نمی‌تواند بر پایه عقلانیت استوار باشد و آن، معنویت است. برای داشتن معنویت در زندگی باید به سراغ قرآن رفت. اگر برای ساماندهی معنویت در زندگی به سراغ عقل و علم برویم، مسیر اشتباهی را می‌پیماییم و خود مانعی برای مهجوریت‌زدایی از قرآن خواهد بود.





طالب‌تاش بیان کرد: مانع دیگری که برای مهجوریت‌زدایی از قرآن پیش روی مسلمانان وجود دارد، فضای سکولاریسم حاکم بر جهان بشریت و مفتون شدن مسلمانان در برابر این فضا است. دنیای غرب به طور کلی دین‌زدایی کرده و عقل را به جای دین نشانده و علم را جایگزین دین کرده است. بسیاری از مسلمانان نیز تحت تأثیر همین فضای حاکم بر جهان غرب قرار گرفته‌اند و بر این گمان‌اند که برای پیشرفت اجتماعی نیاز نیست به دین، خصوصاً به قرآن مراجعه کنند.

وی تصریح کرد: به نظر می‌رسد چند عامل باعث مهجوریت قرآن در میان مسلمانان شده است. عامل اول، تنبلی و راحت‌طلبی در میان برخی از مسلمانان است. زمانی که پیامبر(ص) قرآن را به مردم ابلاغ کردند و به خصوص وقتی که فتوحات اسلامی آغاز شد، ایرانی‌ها با قرآن آشنا شدند، به محض آشنایی ایرانیان با قرآن، نوعی نهضت علمی در سایه قرآن ایجاد شد و متقدمین با تلاش و جدیت به قرآن رجوع و گزاره‌های قرآنی را در زندگی فردی و اجتماعی خود پیاده کردند. حاصل رجوع ایرانی‌ها به قرآن، شکل‌گیری تمدن اسلامی است که جهان را فرا گرفت. زمانی که اروپا در خواب غفلت و به دور از هر گونه تمدن و پیشرفتی بود، مسلمانان با تلاش و روحیه جهادگرانه و با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآن توانستند تمدن نوین اسلامی را برپا کنند. این روند سه یا چهار قرن ادامه داشت و مسلمانان در سایه این تلاش‌ها و تمدن توانستند، پیشتاز تمدن، علم و دانش در جهان شوند. متأسفانه از قرن هشتم و یا نهم هجری، آرام آرام به خواب غفلت روی می‌آورند و گرفتار تکبر و در عین حال تنبلی و راحت‌طلبی می‌شوند. این راحت‌طلبی باعث شد مسلمانان از قرآن فاصله گیرند و به جای ارتباط حقیقی با آن، به ارتباط صوری و ظاهری با قرآن روی آورند.

این پژوهشگر قرآن افزود: علاوه بر این عامل، باید به پیدایش جریان رنسانس در غرب نیز توجه داشت که در مهجوریت قرآن بی‌تأثیر نبود. جالب این است که اروپایی‌ها به تبعیت از مسلمانان که روزی در سایه قرآن به تمدن اسلامی رسیده بودند، جریان رنسانس و نهضت علمی را پایه‌گذاری کردند و به نوعی عقل‌ابزاری و کاربردی روی آوردند و در سایه این عقل‌ابزاری و کاربردی، به پیشرفت‌هایی دست پیدا کردند که بسیار چشم‌گیر بود. مسلمانان نیز تحت تأثیر این پیشرفت قرار گرفتند و پیشرفت واقعی خود را که در سایه تعالیم قرآن به دست آورده بودند، فراموش کردند و دچار غفلت شدند. در حقیقت اروپایی‌ها و حتی مسلمانان توجه نکردند که پیشرفت فقط در بُعد مادی آن خلاصه نمی‌شود، بلکه پیشرفت اخلاقی و معنوی نیز مهم است.



وی ادامه داد: از دیگر عوامل مهاجرت قرآن، آموزش نادرست آن در میان مسلمانان و به خصوص در مدارس است. مسلمانان باید برای ارتباط با قرآن برنامه‌ریزی و زمان‌بندی داشته باشند. این برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای باشد که مثلاً دانش‌آموزان در مقطع ابتدایی، به سطح قابل توجهی از آشنایی با قرآن دست پیدا کنند و در مقاطع بعدی این آشنایی عمیق‌تر شود. مسلمانان برنامه‌ای برای ارتباط با قرآن تدوین نکرده‌اند، مثلاً وقتی دانشجو وارد دانشگاه می‌شود، هنوز با روحانی قرآن آشنا نیست و انس اولیه با قرآن ندارد. در واقع نتوانسته‌ایم بین فرزندان خود با قرآن ارتباط برقرار کنیم. بنابراین یکی دیگر از عوامل مهاجرت قرآن، آموزش نادرست آن است. در واقع آموزش قرآن را جدی نگرفته‌ایم و آن را در متن دروس مدارس، دانشگاه‌ها و حتی حوزه وارد نکرده‌ایم.

طالب‌تاش تصریح کرد: جهان غرب و حاکمان مسلمان ستمگر به نفع‌شان بوده است که مسلمانان به قرائت قرآن سرگرم شوند، ولی به آموزه‌های آن عمل نکنند، چون در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که انسان را در برابر طاغوت بی‌تفاوت نمی‌گذارد. اگر در جامعه‌ای حاکمیت با طاغوت بود، عدالت و برادری برقرار نشد و سیاست‌زدگی حاکم بود، از نظر قرآن یک مسلمان نمی‌تواند در برابر چنین شرایطی بی‌تفاوت باشد. قرآن می‌خواهد جامعه اسلامی را امت واحده کند، امت واحده‌ای که بر محور توحید می‌چرخد. اگر جامعه‌ای بر محور توحید چرخید، دیگر نمی‌تواند وابسته و صرفاً مصرف‌کننده و سیاست‌زده باشد، تنبلی ورزد و فقط محصول دیگران را مصرف کند، بلکه خودش باید تحرک داشته و پیشرو و پیشتاز باشد.

## وظیفه جامعه نخبگان

این پژوهشگر قرآن تصریح کرد: برای مهاجرت‌زدایی از قرآن، وظیفه‌ای که جامعه نخبگان، تحصیل‌کرده‌های علوم قرآنی و حوزه‌های علمیه برعهده دارند، این است که از آیات قرآن موضوعات مبتلابه زندگی انسان‌ها را استخراج کنند و گزاره‌های مرتبط را در کنار هم قرار دهند. به تعبیر دیگر، جامعه دینی به شدت نیاز به تفسیر موضوعی قرآن دارد، ولی علی‌رغم این نیاز، مفسران در طول تاریخ زندگی مسلمانان فقط به تفسیر ترتیبی قرآن پرداخته‌اند. تفسیر ترتیبی نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای ما از لایه‌های درونی قرآن باشد. قرآن به همین ترتیبی که نازل شده است باید نازل می‌شد، ولی تفسیر الزاماً این‌گونه نیست، بلکه مفسران باید موضوعات مختلف مبتلابه جامعه را از آیات قرآن استخراج کنند.

وی بیان کرد: در راهکار دوم، انسان معاصر تصور کرده است که عقل می‌تواند همه نیازهای او را تأمین کند، در صورتی که عقل توانایی برآورده کردن همه نیازهای انسان را ندارد. بنابراین اگر مسلمانان می‌خواهند قرآن را از مهاجرت خارج کنند، باید عقل را در جایگاه خود بنشانند و قرآن را در کنار عقل در جایگاه خودش که فراتر از عقل است، قرار دهند، به گونه‌ای که قرآن آن دسته از خلأهای انسان را که محصول عقل است، رفع کند. اگر مسلمانان خواهان مهاجرت‌زدایی از قرآن هستند، باید آموزه‌ها و گزاره‌های قرآنی را در زندگی اجتماعی خود اجرا کنند. البته این مهم زمانی تحقق پیدا می‌کند که مدیران و مسئولان ارشد نظام با تفسیر قرآن آشنا باشند. این انس و آشنایی نیز با دستورالعمل و در یک برهه زمانی کوتاه محقق نمی‌شود، بلکه با یک عمر زندگی کردن با قرآن به دست می‌آید. دنبال این نیستیم که مدیران ارشد کشورمان اسم قرآن را بیاورند و به آن تعریض کنند، چنین کاری، عمل مبتنی بر قرآن محسوب نمی‌شود. قرآنی عمل کردن یعنی آثار و نمود آموزه‌های قرآن در رفتار و عملکرد یک اداره یا وزارتخانه نمایان و مشهود باشد.

طالب‌تاش اظهار کرد: راهکار چهارم که با راهکار سوم ارتباط دارد، استفاده از عنصر آموزش به خصوص در مدارس ابتدایی است. باید در مقطع ابتدایی به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنیم که دانش‌آموزان روحانی قرآن را به طور کامل فراگیرند و بخشی از زندگی روزمره آنها شود. عملکرد ما باید به گونه‌ای باشد که دانش‌آموز ابتدایی مشتاق و علاقه‌مند به خواندن قرآن باشد، یعنی هم به گونه‌ای آموزش دهیم که کارآمد و اثربخش باشد و

دانش‌آموز بتواند از روی قرآن به درستی بخواند و با روخوانی و روان‌خوانی قرآن آشنایی پیدا کند و هم اینکه مشتاق و علاقه‌مند به قرآن شود. در خصوص راهکار پنجم باید گفت، اگر حوزه‌های علمیه، مجامع دانشگاهی، عالمان و اندیشمندان، روحانیون، متخصصان علوم قرآنی و مدیران قرآنی کشور مسئولیت‌شان را به درستی انجام داده و این موضوع را در دستورکار قرار دهند که برای مهاجرت‌زدایی از قرآن باید چه برنامه‌ای داشته باشند، قطعاً می‌توانیم بسیاری از مشکلاتی را که در این خصوص با آنها مواجهیم، مرتفع کنیم.

مهاجرت‌زدایی از قرآن نه فقط در گرو انگیزه و اراده عمومی مسلمانان است، بلکه به تدوین یک برنامه جامع و مدون برای عملی کردن آموزه‌های قرآنی در شئون مختلف جامعه نیاز دارد که این مهم وظیفه و رسالت پژوهشگران قرآنی، اساتید حوزه و دانشگاه و همچنین سیاست‌گذاران حوزه، فرهنگ و آموزش است. باید توجه کرد که سیاست‌گذاری‌ها مبتنی بر اقتضائات و نیازهای جامعه و به تعبیری مبتنی بر زبان روز جامعه باشد تا از سوی جامعه مورد توجه و کاربرست عملی قرار گیرد.